

بسمه تعالی

درد ها ورنج های وطن

درد ورنج های تومیهن، نتوان کرد حساب

که تواند بشمارد، قطرات باران را

با کمال تأسف که وطن عزیز ما در چهار دههء اخیر هدف تجاوزات بیگانه ها و ظلم نوکران و طنفروش آنها قرار گرفته است. هر روزی که میگذرد، وضع کشور محبوب و هم میهنان مظلوم ما بدتر از روز قبل گردیده و هیچ دور نمای بهبودی تصور نمی شود.

بعد از کودتای منحوس ۲۶ سرطان ۵۲ که داوود خان فرعون زمان با فریب و تزویر نوکران و جاسوسان شوروی سابقه، همین خلقی ها و پرچمی ها به اریکهء قدرت جمهوری قلابی رسید، هستهء جنایات بی حد و حصر و تباهی و ویرانی وطن زیبای ما افغانستان عزیز بنا نهاده شد. عدم درایت و شناخت داوود خان از جاسوسان و اطرافیان، باعث تباهی خودش و خرد و بزرگ فامیلش به شمول طفل شش ماههء خاندانش گردیده و عامل اساسی کودتای منحوس و بداختر ۷ ثور با تمام جنایات و بدبختی های کشور محبوب ما تا امروز گردید.

ای خدا! شدهفت ثورو دردبی درمان رسید

سرنوشت ملک ما بردست بی دینان رسید

میهن ما گشت ویران شرق تا غربش همه

از شمالش تا جنوب آفات بی حد زان رسید

گشت قربانی دومیون مردوزن پیرو جوان

شد به ملیونها مهاجر، موسم هجران رسید

عالم وفاضل همه ترک وطن کردند از آنک
خرس قطبی از شمال بالشکر عدوان رسید
سربداد ند نغمهء کور و کالی دُ دیش
گور شد کور و کفن کالی، زمزمی نان رسید

از برکت!! کودتای منحوس هفت ثور و در زمان قدرت داشتن دوروزه
خلقی ها و پرچمی های ناخلف و وطن فروش، خرس های قطبی بوطن
عزیز ما لشکرکشی نموده و فکر میکردند که افغانستان ما را مانند ممالک
اروپای شرقی به آسانی بلعیده و به آبهای گرم بفرستند دسترسی یابند.

از جنایت های خلق و پرچم این دوناخلف
مُلک ما ویران شد و آتش به خرمن درگرفت
شد به ملیونها شهید از دست نوکرهای روس
سیل هجرت هر طرف، از میهن و کشور گرفت

در این زمان نامیمون بالغ بر شش میلیون افراد وطن ما بشمول دانشمندان
و نخبه های کشور اعم از مردان، زنان و اطفال، کسبه کاران، دهاقین و
علمای دینی مجبور به ترک خانه و کاشانهء آبائی خود گردیده و اسپندوار
در هر گوشه و کنار این کرهء خاکی پراکنده و آواره شدند.

پس از کودتای هفتم ثور که وطن فروشان خلقی و پرچمی، مطلق العنان در
وطن ما گردیدند، از هیچ ظلم و ستمی که از دست شان برمی آمد، در حق
مادر وطن و مردم مظلوم افغانستان دریغ نکردند. این ناخلفان حتی پیش
از کودتای بدفرجام هفت ثور، در زمان ریاست استبدادی داوود خان که
پُست ها مهم حکومت داوود خان از جمله وزارت داخله در دستشان بود،
مرتکب جنایات بیشمار و کشتار نخبه ها و اشخاص با نفوذ کشور مانند
محمد هاشم خان میوندوال، علی احمد خرم وزیر پلان و جنرال خان محمد
خان مرستیال، دگر جنرال عبدالرزاق خان، و ده ها اشخاص با رسوخ
بشمول عارف ریگشاه با چند تاجر دیگر کشور ما شده بودند.

بر علاوه شش ملیون هموطن ما که اسپند وار در اقصی نقاط جهان آواره شدند، بالغ بردو ملیون مردم بیگناه ما جام شهادت نوشیدند. صدها هزار معیوب، بی پناه، بیوه و یتیم گردیدند. هزاران هموطن عزیز ما که جگر گوشه های شان توسط دستگاہای جهنمی اکسا، کام، خادو واد گرفتار، شکنجه و اعدام شدند، با درد که حتی تا امروز نه اجساد عزیزان خود را دیده اند و نه محل دفن یا گور دستجمعی آنها را میدانند.

بالاخره از اثر آه مظلومان و انتقام دنیائی که خداوند از این بیگانه پرستان جانی گرفت، نور محمد تره کی را شاگرد وفادارش از راه غیر معمول نفسش را کشیده و به جهنم واصل کرد.

حفیظ الله امین! را برادران بزرگ شمالی اش طوری به درک واصل کردند که تا امروز قبرش هم معلوم نمی باشد. ببرک که سنگ دوستی با داران روسی خود را دائم به سینه میزد و معیار وطن دوستی و انقلابی بودن را نظر به دوستی با شوروی تعیین میکرد، بالاخره روزی شد که با دارانش او را جواب داده حتی از خاک خود بیرون کردند تا در حیرتان به مذلت و بدنامی مرد و راهی جهنم گردید.

جان من آخر بدیدی خون مظلومان چسان

دامن ناپاک ببرک را به ذلت در گرفت

داکتر نجیب رئیس عمومی خاد و بعداً رئیس جمهور که یکی از قاتلین درجه یک مردم بیگناه وطن ما بود و بعد از فرار روس ها میخواست چهره بدل نموده و خود را وطن دوست و مسلمان جلوه دهد، مگر آنقدر دیر شده بود که مردم پوست وی را در چرمگری هم میشناختند، حيله و نیرنگش مؤثر واقع نگردیده و بالاخره بسیار مفتضحانه به جزای اعمال پلیدش رسید.

نا نجیب و کارمل را با تره کی وامین

بعد چارروزه جنایت، موسم پرسان رسید

مردم شریف، نجیب و مسلمان ماکه در آرزوی سرنگونی این خائن ملی بودند و حکومت اسلامی مجاهدین افغانستان را مشتاقانه انتظار می کشیدند. بلاخره روس های متجاوز با سرافکندگی، خجالت بین المللی و تلفات بیحدجانی و مالی، مجبور به ترک افغانستان عزیز ما گردیدند، اما:

داد تاوان تجاوز رابه میهن آنچنانک

شوروی شد تجزیه، عبرت جهان از سرگرفت

نوکران جانشین شان نیز پس از مدتی فرار را برقرار ترجیح داده و اکثریت شان ترک وطن نموده به دامن امپریالیست های غربی که همیشه از آنها مذمت میکردند و هزاران هموطن عزیز ما را صرف به نام نوکران جهان غرب یا تحصیل کرده های غرب قتل عام نمودند، پناه برده و بیشتر مانه به زندگی ننگین خود ادامه میدهند. **جوی کم کن زمردی و آنگه فارغبال بنشین.** آنها که اصلاً در نهاد شان ذرهء مردی و غیرت نداشتند، مگر بنام افغان و افغانیت نیز خیانت کردند.

هیئات من الذله.

ای کاش این ناخلفان و ظن فروش و قاتلین هزاران هموطن، هرگز در کشور محبوب ما نمی بودند تا از دست های کثیف شان مملکت عزیز ما به این حال بد، روز بد و تباهی نمی رسید.

**اگر خلق وگر پرچم نمی بود
به ملک ما چنین ماتم نمی بود
نمی شد ملک ما این گونه ویران
به هر گوشه سرود غم نمی بود
اگر این بی خدایان نوکر روس
نمی بودند، طالب!! هم نمی بود
بُدی افغانستان، آرام آرام
دل ملت چنین پرغم نمی بود**

نه کُشتی عالمان وفاضلان را

زمامداران ما نافهم نمی بود

به هر صورت دوران این نوکران بیگانه ها به پایان رسید و زمام میهن دوستداشتنی ما به دست مسلمان نماها ی بد تر از خلق و پرچم رسید. اگر روستهای ملحد و بی دین بانوکران شان هرچه کردند، آنها دشمن دین و خاک ما بودند که از آنها توقع بیشتر نمیشد داشته باشیم. وای و صدوای که مجاهدین به نام، زیر پوشش اسلام و اسلامیت کاری کردند که کفار هم نکرده و هموطنان ما در خواب هم چنین روزی را ندیده بودند.

**بعدِ ظلمت های هفت، نوبت رسید برهشت ثور
نوکر روسان برفت و چاکر شیطان رسید
کُشته شد صد ها هزار از مردمان بی گناه
کابل زیبای ما را موسم ویران رسید
کوچه کوچه، قریه قریه، شهر به شهر و ده به ده
راکت و خمپاره ها از سوی بی دینان رسید
در حریم کعبه کردند عهد گیرند راه راست
عهد و سوگندش فراموش، حرص نقد جان رسید**

با هزاران درد و افسوس که حکومت بدست مجاهدین نما ها افتاد، در حالیکه مجاهدین واقعی یکتعداد زیاد شان جام های شهادت را نوشیدند و کسانی که باقی ماندند و در جنایات و خیانت های رهبران فاسد و وطن فروش و نوکران سعودی ها، ایران و پاکستان شریک و سهم نگردیدند، از نظر افتاده و روزگار و زندگی شان هر روز بدتر و بدتر گردید.

**نام مسلمانان جانی، با شعار حفظ دین
کرد ویران کشورم، کزدین ایشان سوختم
حرص دالر، برد دین احمدی از یاد شان
از جنایت های شاگردان شیطان سوختم**

آهوان میهنم رم کرده اند، در هر طرف من بیاد نرگس چشم غزالان سوختم

در روزهای اول قدرت گرفتن سران بنام مجاهدین، کابل زیبا ویران و در
حدود شصت و پنج الی هشتاد هزار هموطن بیگناه ما قتل عام گردیدند،
خانه ها ویران شد، منازل و دارائی های مردم چور و چپاول گردید، صد
ها هزار هموطن که هنوز در کشور بودند، ترک وطن نمودند، اردوی
قوی وطن ما خائنانه و به فرمایش نواز شریف دشمن درجه یک
ملت افغانستان، توسط پیر طماع و حریص، دنیا خَر دین فروش، صبغت
الله مجددی رئیس چند روزه دولت منحل گردید.

خائنی منحل نمود اردوی تو
زین خیانت شد وطن بی عسکرم
زانکه زیبا کشورم عسکر نداشت
جنگ سالاری به هر بوم و بوم
آن مجاهد ها بنام، خصم وطن
کردند ویران، کابل گل پیکرم
هریکی بادیست آلوده بخون
قاتل ده ها هزار همکشورم

آنچه از زیر بناهای کشور عزیزما که حتی در وقت کمونیست های لعنتی
و بی خدا و با داران شان تخریب نگردیده بود، همه به ویرانه مبدل
گشت.

قصد دار الامان که از زیبا ترین قصر های تاریخی وطن ما و حتی در
منطقه بی نظیر بود کاملاً تخریب شد. موزیم کابل تاراج گردید. کتابخانه
های کابل، خصوصاً کتابخانه دانشگاه کابل چپاول گردید.
بهترین نسخه های کتابهای نایاب تاریخی، ادبی، فرهنگی، علمی و غیره
بغارت رفته و در بالای کراچی های دست فروشان، مانند کاغذهای باطله
برای پاکت ساختن بفروش میرسید. مکاتب زیاد تخریب و حریق گردید.

تفنگ سالاران در هر منطقه که قدرت داشتند، خانه ها زمین ها و سایر اموال و ملکیت های مردم کمزور و عامه را ظالمانه غصب نمودند و نظر به گزارش خانه آزادی در حدود چهار و نیم ملیون جریب زمین های دولتی و شخصی مردمان مستضعف، بسیار ظالمانه در افغانستان توسط عمال دولت و زورمندان غصب گردیده است.

مسلمان نماهای دوران اسلام و اسلامیت به ناموس هموطنان خود تجاوز کرده و این جانیهادخترها و زنهای افغان را بعرب های وحشی فروختند. صبغت الله مجددی، برهان الدین، حکمتیار، سیاف، مزاری و بلاخره همه سران گروه های هفتگانه و هشتگانه، بغیر از چور و چپاول داری های عامه، پر نمودن جیب های خود، قتل و قتل هزاران انسان بی گناه و ظلم و ستم بیحد بالای مردم مظلوم وطن عزیز ما، کوچکترین کار و خدمتی برای وطن ما افغانستان نکردند.

**بس به ناحق بکشتند هزاران مظلوم
همه جا سرخ زخون دشت و دمن می بینم
و آنکه باریش درازش بخورد پول جهاد
صاحب جاه و مقام، باغ و چمن می بینم
و آنکه بامیخ بسرکوفت هزاران مسلم
در صف اول دولت، به سخن می بینم**

از چپاول و دیده داری های صبغت الله مجددی، شاهدان عینی منجمله یک برادر خودم میگویند که در مجالس مختلفی که در پاکستان برپا میکردند، از ظروف طعام خوری دوران پادشاهی ظاهر شاه که در آنها کلمات "المتوکل علی الله" نقش گردیده بود، بیشرمانه استفاده میکردند.

لعنت خدا و جمیع ملائک بر این وطن فروشان و دزدان بیحیا باد!
بعد از دوران تاریک سران بنام مجاهدین، عصر سیاه جهالت و وحشت طالبان رسید. این سیه دلان و طالبان ضد علم و ترقی هر خرابی که از دست شان آمد، در حق مردم مظلوم وطن و کشور ما روا داشتند.

از جنایت های طالب جان!، کدامش یاد کرد؟
سربریدن های ناحق، تا بت بامیان رسید
طول ریش گردید معیار مسلمانی ما
شرع احمد شد فراموش، جهل رادوران رسید
مفتضح کردند مسلمان رابه دنیا آنچنانک
شادباش کفروشیطان، براین مسلمانان رسید

شاهکار تاریخی بت بامیان منفجر گردید، هزاران آثار فرهنگی و مجسمه های تاریخی و بارزش را یا تخریب کردند ویا بصورت قاچاق از وطن بیرون نموده و بفروش رسانیدند. تلویزیونها را به دار آویختند، هزاران رول فلم های موجود در آرشیف رادیو تلویزیون افغانستان عزیز ما را حریق نمودند، طبقهء اناث بشمول دختران خوردسال را از کار و تحصیل محروم ساختند. از ظلم بیحد، زنان مظلوم را در ملأ عام شلاق میزند و حتی در استدیوم کابل و پیش چشم هزاران هموطن اعدام و هزاران فجایع دیگر را مرتکب می شدند. اعضای بدن زنها مانند گوش، بینی و لب ها را قطع میکردند. بعضاً جوانان بیگناه را محاکمهء صحرائی نموده سنگسار ویا زنده به گور میکردند که هنوز هم این فجایع جریان دارد.

گشت غارت موزهء کابل هم آثار عتیق
لاجورد ملک ما، لعل بدخشان را چه شد؟
گشته ویران لوگرو کابل، غزنی وهرات
بامیان وشاهکار روزگاران را چه شد؟
رشوه ورشوه ستانی گشته امری آشکار
ترس از روز حساب حی سبحان را چه شد؟
ده هزاران پیروبرنا، زنده بنمودن به گور
کس نکرده تعزیت، آن غمشریکان را چه شد؟

با واقعهء یازدهم سپتمبر گلیم این ظالمان مؤقتاً برچیده شده و دوران زمامداری شاه شجاع قرن بیست ویکم وطن عزیز ما، کرزی و طنفروش

و خائن درجه یک وطن، در سیزده سال اخیر رسید. از برکت خدمات !!
کرزی و همدستانش، وطن عزیز ما "کپ افتخار! قهرمانی فساد" را در
جهان تصاحب کرده و حایز درجه اول شد. قرار گفتهء اخیر کامرون
نخست وزیر بریتانیا در صحبتی که با ملکه الیزابت دوم داشت، افغانستان
را به طرز شگفت انگیزی "فاسد" توصیف کرده است.
قرار نوشتهء دکتور میر عبدالرحیم عزیز (امریکا و اشنگتن دی سی، و
شماره ۲۳۳ هفته نامهء افق، آسترالیا)، حامد کرزی بعد از تجاوز امریکا
به افغانستان، توسط قوای اختصاصی این کشور از مرگ حتمی نجات
یافته و نظر به امر جورج بوش، بصفت رئیس جمهور افغانستان اشغال
شده مقرر گردید.
در خلال سیزده سال ریاست جمهوریش، کرزی از حمایت کامل سیاسی
و نظامی ادارهء بوش برخوردار بود.

در دو عالم خوار گردی، ای خائن ملی ما
میروی آخر از این دهر، کرزی جانی ما
روز و شب در فکر پُربنمودن جیبش شدی
در تباهی داده ئی خیلی، تواز اردوی ما

کسانیکه پیش از به قدرت رسیدن به اصطلاح وطن ما "خرانگ" هم
نداشتند، بعد از به قدرت رسیدن صاحب ملیونها و ملیاردها دلار گردیدند.
باچوروچپاول دارائی های کشور، اخصاً از اختلاس ملیونها و ملیاردها دلار
کمک های بین المللی، هر کدام صاحب گنج های قارونی شدند. پول های
سرقت کرده را در بانک های خارج از کشور ذخیره کرده اند. در حالیکه
اکثریت قاطع مردم ما به نان سه وقت خود محتاج بوده و می باشند.
کرزی که باید از پول های بادآوردهء کمک های بین المللی، برای رفاء
عامه، ایجاد مکاتب، شفاخانه ها، اعمار سرک ها و فابریکه ها، آبادی و
اعمار پروژه های زیربنائی استفاده میکرد تا از خود نام نیک بجای
گذاشت، مگر قرار نوشتهء لندن تا میز تاریخی ۲۳ اپریل سال جاری مبلغ

ششصد ملیون دالر را برای تقویت طالبان این قاتلان هزاران هموطن بیگناه ما ونوکران سعودی ها و آی اس آی به مصرف رسانیده است.

کرزی قاتل تو تا کی زنده باشی؟

به پیش مردمت شرمنده باشی

اگرداشتی جوی غیرت تویی ننگ

زیک فیربردهانت، مرده باشی

کرزی از این پولهای بیت المال به پنج مرکز آموزشی طالبان در قندهار، فاریاب، هیرمند، ننگرهار و لوگر سخاوتمندانه!! کمک کرده است. اگر این ادعا ها درست باشد (که احتمال درستی آنها بسیار زیاد است) باید از کرزی جبران این پولها حاصل شده و مصارف ماهانه عوی لغو گردد و همچنان نام منحوسش از میدان هوایی کابل حذف گردد.

در پانزده سال اخیر که جامعه جهانی در کشور ما حضور داشتند و ملیارد ها دالر به افغانستان عزیز سر ا زیر شد، حتی یک پروژه عزیز بنائی آباد نگردید. یگانه پروژه که تا حدودی تکمیل گردیده، بند سلما میباشد که کار آن تقریباً پنجاه سال قبل شروع و از جانب دولت هندوستان تمویل گردیده است.

شاه شجاع ملک ما میهن فروش

کرده است بار خیانیت را به دوش

باند او در فکرتاراج وطن

غافل از روز جزا، در عیش و نوش

کرزی خائن و از خود کش بیگانه پرست آنقدر دشمن وطن خود بوده که اگر برادران جاهل و دور از اسلامش صدها و هزارها هموطن ما را قتل عام میکردند، خم به ابرو نمی آورد، ولی زمانیکه ملا عبدالرقيب، یکی از برادران طالبش درگذشت، آه و واویلا سرداده و به زبان حال میگفت:

برفتی ای برادر از برمن

شکستی قامت، تاج سر من

توبودی قاتل صدها مسلمان طلب کردد به آخرداور من

جسد آن قاتل راباتشریفات وهلی کوپتر مخصوص به ولایت زادگاهش درشمال افغانستان فرستاد. درحالیکه نماز جنازهءبالغ بر بیست عسکر وپلیس ما که درراه حفظ وطن به شهادت رسیده بودند ودر زیرریشش درارگ برگزار شد، اشتراک نکرده بود.

بلاخره باتمام تقلاها وکوشش های که کرزی برای بقای خود درکرسی ریاست جمهوری نمود،موفق نشد.وزمام این کشوربی صاحب به دست مغزمتفکرجهان!!! و عبدالله عبدالله،این دونوکر امریکا رسید،که حکومت بنام "وحدت ملی" ودرحقیقت "وحشت ملی" را بنا نهادند.این حکومت یکی ازفاسد ترین حکومت جهان بوده وباقلب،خدعه،فریب،ریاکاری و مفاسد بسیارزیاد توسط باداران این دووطنفروش به وجودآمد.تاحال که تقریباً دوسال از حکومت وحدت ملی میگذرد،کوچکترین خدمتی برای وطن ومردم میهن ما نکرده اند.بی نظمی ها،انفجارها وانتحارها،راه گیری ها،مسموم کردنهای دختران مکاتب وهزاران فجایع دیگرروز به روزبیشترگردیده است.وطن ما وزیردفاع ندارد،راکت های پاکستان بارها وبارها قسمت های ازوطن مارا زیرآتش گرفته اند، دراین دولت خائن هیچ کسی پیدانمی شود که درمقابل این دشمنان وطن جزویتترین حرکتی بالمثل نماید.هنوز یک تعداد وزارت خانه ها وولایت های ما توسط سرپرست ها اداره میشود.

برادران کرزی وغنی هرروزدرگوشه وکناروطن حتی درزیر ریش شان درکابل وجوارارگ صدها هموطن ما اعم از عساکروپلیس، مردان وزنان واطفال بیگناه را به درجهءشهادت میرسانند. امیداست روزی راشاهد باشیم که این همه خائنان وجانیان به کیفراعمال خود رسیده باشند.

باید متذکرشد که درحقیقت،نهاد وسرشت حکومت کرزی و وحدت ملی

کوچکترین فرقی وجود ندارد، هر دو حکومت از نوکران امریکا بوده و از راه های خیانت و فریب هموطنان بوجود آمده اند. و تازمانیکه حکومت امریکا برای اغراض شوم خود به آنها ضرورت داشته باشد از آنها استفاده کرده و بعداً مانند صدها نوکر دیگر خود آنها را به دور خواهد انداخت. چنانچه همین حالا هم حامد کرزی تا حدی از طرف با دارانش رانده شده است.

ز راه های تقلب گشته ای آخر، رئیس اشرف
به شرم بی حد دنیا و عقببایت نمی ارزد
ریاست با همه خجالت بشد حاصل، خردمفلس
به قطع کلک های هموطن هایت نمی ارزد
ترازیستن چند روزی، به ارگ ایمن وزیبا
به بی درکلبه های، کشوری هایت نمی ارزد
در این ارگ و در این قدرت، توتاکی زنده خواهی بود؟
به تنهایی و گور تنگ، بدانجایت نمی ارزد

این مغز متفکر جهان!! بعد از رسیدن بقدرت تمام وعده ها و وعید های را که به ملت فریب خورده و وطن داده بود، فراموش کرده و همیشه از پول ملت در سفرهای حق و ناحق به خوشگذرانی و سیاحت سپری میدارد. شخصیکه در سالهای مشکلات و جهاد وطن در سایه امریکا دور از وطن گذرانیده و با خانم عیسوی مذهب خود به کلیساها میرفت، حالا آنقدر به اسلام و اسلامیت تظاهر میکند که تسبیح طولانی اش همیشه به دست های مبارکش!! بوده و حتی در وقت صحبت با ملکه انگلستان عبادت و تسبیح گشتاندن خود را فراموش نکرده بود.

تسبیح به دست اشرف، چشمش به مال ملت
چون اورسید ریاست، زار است حال ملت
در سالهای کارش، در نوکری اغیار
ثابت نموده خود را، یک بی مثال ملت

بر اساس رتبه بندی سازمان شفافیت بین المللی، افغانستان از جملهء یکصد و شصت و هشت کشور جهان، سومین کشور فاسد جهان است. البته برای آقایان غنی و عبدالله شرم است که از کرزی دودرجه عقب مانده اند! در این او اخر مژده ی!! که از طرف این دو وطن فروش به ملت نجیب افغانستان داده میشود، آوردن حکمتیار خونخوار و بیرحم که قاتل هزارن هموطن ما بوده و کابل زیبای ما را او به ویرانه تبدیل نموده است، به وطن می باشد.

تو حکمتیار، ای خونخوار و شیطان
نکردی خدمتی، در راه سبحان
بگشتی صد هزاران بیگناه را
نمودی کابل زیبا تو ویران

اگر باز پای کثیف این جنایتکار به وطن داخل شود، باعث خونریزی های بدتر از گذشته خواهد گردید.

من از کفار و چاکرهایش ننالم
هر آنچه کرد به ما، مسلم نما کرد

چون دردها و رنج های وطن بی شمار است و با نوشتن صدها کتاب و اوراق بی حساب خلاصی نخواهد داشت. یناءً با همین سطور چند بسنده می شوم.

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری

۲۰، ۵، ۲۰۱۶، سدنی